

## نام زردشت

رودیگر اشمیت\*

ترجمه: مجید طامه\*\*

### چکیده

درباره نام زردشت و معنی آن از دیرباز اختلاف نظر وجود داشته است. از جمله کهن‌ترین ریشه‌شناسی‌های عامیانه در این باره آرای برخی از یونانیان دوران باستان است که نام زردشت را با کلمه «ستاره» مرتبط دانسته و معنی‌ای چون «ستاره‌پرست» را برای آن پیشنهاد داده‌اند. در چند سده اخیر نیز که مطالعات زبان‌های ایرانی و دین زردشتی کانون توجه قرار گرفت دانشمندان نظریات متفاوتی درباره این نام ارائه کرده‌اند. نویسنده که از بزرگان ایران‌شناسی و متخصص زبان‌های ایرانی باستان است در این نوشته سعی کرده با مراجعه به متون کهن دست اول مانند اوستا و دیگر زبان‌های ایرانی مانند فارسی میانه و سغدی و آثار نویسندگان یونانی و ارمنی در دوران باستان و ذکر آرای متفاوت دانشمندان متأخر درباره این نام و تحلیل و نقد برخی از آنها محتمل‌ترین معنی را برای نام زردشت ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: اوستا، زرتشت، زردشت، زرتشت، ریشه‌شناسی

---

\* مشخصات کتاب‌شناختی این اثر چنین است:

Rüdiger Schmitt, "Zoroaster i. The Name", in: *Encyclopaedia Iranica*, online, <http://www.iranicaonline.org/articles/zoroaster-i-the-name>

\*\* پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، [majidtamah@gmail.com](mailto:majidtamah@gmail.com)

## صورت گاهانی و مشتقاتش

صورت موثق نام زردشت آن طور که در سروده‌های خودش، گاهان، در بخش کهن اوستا، آمده زَرَثوِشتره (-zaraθuštra) بوده (برای بسامد این نام در اوستای گاهانی و متأخر، نک.: Schlerath, 1971: 134b) که از آن مشتقات دیگری مانند -zaraθuštri «از تبار زردشت، زردشتی» و -zaraθuštrō.təma «زردشتی‌ترین» ساخته شده است. صورت اوستایی این نام با واج /θ-θ/، علی‌رغم تحول آوایی خلاف قاعده (نک.: بعد)، از نظر زبان‌شناختی و بر پایه صورت‌های به‌جامانده از این اسم در دوره‌های بعد (پارتی مانوی zrhwšt (zar(a)hušt) با واج /h/ صورت تحول‌یافته (/θ/))، سغدی مانوی zrwšc، zr'wšc، سغدی زردشتی zr'(w)šc (z(ru)šc)، و صورت‌های برگرفته از واژه سغدی این نام در متنی مانوی به اویغوری zrwšc و در چینی suo-luo-čje) صورت کاملاً معتبری است (cf.: Bailey, 1953: p. 40, no. 6). با وجود این، در مقایسه با صورت‌های فوق شاهد‌های فارسی میانه کتابی و کتیبه‌ای این نام یعنی zltw(h)št (zar(a)du(x)št) (با تحول آوایی -uš- از -uxšt- که برآیند معمول از -uršt\* است) ایرانی باستان -uštra\* است) و صورت‌های فارسی نو «زرتشت»، «زردشت»، «زرادشت»، «زرادشت» (که صورت‌های سریانی zardušt، z(a)rādušt، و عربی zarā/ādušt بر پایه آنها ساخته شده)، نیز صورت فارسی میانه مانوی zrdrwšt (zar(a)društ) که صورت مقلوب از صورت اصلی \*zar(a)duršt است) صورت کهن‌تری با واج /t/ به جای /θ/ (-zaratuštra\* به جای -zaraθuštra) را می‌طلبد (فرض از میان رفتن ویژگی سایشی واج /θ/ و تبدیل آن به /t/ برای صورت‌های فارسی کمکی به حل قضیه نمی‌کند). دوجهی بودن تلفظ این نام، با واج /θ/ یا /t/، بر روی مَه‌ری، مربوط به سده چهارم میلادی، به زبان آرامی نیز دیده می‌شود. صورت آرامی به‌کاررفته بر روی این مهر zrtštrš (نام خاص یا عام) را به هر دو صورت \*zaraθuštriš و \*zaratuštriš می‌توان خواند (cf. Schmitt, 1997, pp. 922f).

همچنین، صورت سنسکریت -jarathuštra (در ترجمه نریوسنگ از اوستا) و صورت یونانی بیزانسی zarathroustes (با فرآیند قلب؛ در آثار کوسماس اورشلیمی (Cosmas of Jerusalem) [سده هشتم میلادی])، در آثار دیگر به صورت zōrothrustēs آمده و بعدها در یونانی معیار به صورت zōroástēs ذکر شده است) کاملاً با صورت اوستایی مطابقت دارند. از همین ستاک (فقط با قلب /t/ و /th/ و ناهمگون شدن دو واج /a/ با یکدیگر در

\*zarathr° صورت zathrāstēs در اشاره به نام یک «قانون‌گذار آریایی» در اثر دیودوروس (Diodorus) ۹۴.۲.۱ ذکر شده است (Cf.: Schmitt, 1996: 94; Gnoli, 2000: 100). معنا و برداشت نو در خصوص صورت‌های یونانی zōroástrēs و zōroástris و آرامی zradešt, zradašt در ادامه بحث خواهد شد، اما صورت‌های کوتاه‌شده این نام مانند یونانی záratos, zarátās, zarádēs یا لاتینی zaratus (نک.: فهرست Bidez-Cumont, ۱۹۳۸، ص ۳۸۹ ب) که احتمالاً صورت‌های کوتاه‌شده نام پیامبر هستند خارج از بحث بررسی و تدقیق نام zaraθuštra- هستند.

### ریشه‌شناسی

درباره ریشه‌شناسی صورت اوستایی و به طور کلی صورت‌های گوناگون این نام و ویژگی‌هایش در برخی از زبان‌های ایرانی بسیار بحث و گفت‌وگو شده است. تنها نکته‌ای که بر سر آن اجماع کلی وجود دارد، جزء دوم این نام یعنی -uštra «شتر» است (این جزء در نام‌های خاص دیگر نیز به کار رفته است). از آنجا که جزء نخست این نام به واجی دندانی ختم می‌شود، احتمالاً صورتی مانند -zarat\*، طبق قواعد آوایی اوستایی ترکیب آن با جزء دوم باید منتج به صورتی مانند -zarat.uštra\* یا -zaraðuštra\* (در شکل پیوسته) می‌شد. از این‌رو، این تحول آوایی خلاف قاعده در این نام نیاز به شرح و توضیح دارد. بازسازی‌های واجی و ساخت‌واژی‌ای که تاکنون برای توجیه /θ/ مطرح شده همه جای تأمل دارد. از جمله این بازسازی‌ها می‌توان به اینها اشاره کرد: وجود یک واج حنجره‌ای در آغاز کلمه شتر -Huštra\* (Werba, 1982: 173)؛ فرض صورت اصلی -\*uštra\* برای شتر در واژه غیربومی؛ در نظر گرفتن -zarati-uštra\* (با حذف -i- در زنجیره \*-θi-\*) به عنوان صورت اصلی این نام؛ فرض صورت سغدی کهن -zarat\* -huštra (با پیشوند hu- «خوب» (Gershevitch, 1995: 4a)). اما معقول‌تر آن است که، بدون نادیده‌گرفتن توجیه آوایی /θ/، اصل این نام را نه یک صورت اوستایی بلکه صورتی گویشی بپنداریم، چنان‌که تیمه (Thieme, 1981: 124f) با فرض افزودن یک -r- پیش از -uštra و سپس حذف آن در نتیجه ناهمگون‌شدگی صورت -zaratruštra\* را بازسازی کرده است. به هر حال هنوز مشخص نیست در چه مرحله‌ای از انتقال متون اوستایی صورت کنونی این نام در اوستایی پدید آمده است.

برای صورت‌های متفاوت این نام که در زبان‌های ایرانی به کار رفته، عموماً، صورت ایرانی باستان *zarat-uštra*\* بازسازی می‌شود، هرچند فقط بر پایه صورت یونانی *zōroástrēs* می‌توان قائل به وجود صورت ایرانی باستان *zara-uštra*\* نیز بود. درباره معنا و ساخت جزء نخست این نام پیشنهادهای مختلفی مطرح شده است؛ از آن جمله می‌توان به این پیشنهادها اشاره کرد: *zarat*\* احتمالاً صورت ضعیف از *zarant*\* است. برخی *zarant*\* را به معنای «پیر» (قس.: ودایی -*járant*؛ آسی *zæron*) فرض می‌کنند و کل این نام را «دارنده شترهای پیر / فرتوت [به تعبیر بهتر: سال‌خورده]» معنا می‌کنند. برخی جزء نخست، *zarat*\*، را صورتی فعلی و به معنای «به حرکت درآورنده، راننده» (قس.: اوستایی *zarš-* «کشیدن» (Bailey, 1953: 36-42)) می‌دانند و روی هم‌رفته این نام را «به حرکت درآورنده شترها (کسی که شترها را می‌راند)» یا «چراننده / پرورنده شترها» ترجمه می‌کنند. گروهی نیز جزء فعلی نخست را به معنای «خواهان، آرزومند» (قس.: ودایی *har-* «مایل بودن، دوست داشتن»؛ و، علی‌رغم ابهامش، اوستایی کهن *zara-*) می‌دانند و معنای «آرزومند / خواستار شترها» را برای این نام پیشنهاد می‌دهند. بعضی نیز *zarant*\* را به معنای «خشمگین، برآشفته» می‌گیرند و کل نام را «دارنده شترهای خشمگین / برآشفته» معنا می‌کنند. سرانجام، عده‌ای جزء نخست این نام را مرتبط با *zarant*\* به معنای «زرد» (قس.: اوستایی متأخر *zairi-* (cf.: Werba, 1982: 184f)) و هر دو جزء را با هم به معنای «دارنده شترهای زرد» می‌دانند.

بحث‌های کاملی که دانشمندان در این چند دهه اخیر درباره این نام کرده‌اند (cf.: Mayerhofer, 1977a: 46-53; 1977b: 105f. no. 416; 1977c; Schlerath, 1977) همجواری صورت‌های ایرانی باستان *zarat*\* و *zara*\* توجیه‌پذیر باشد، لزومی ندارد که *zara(t)-* حتماً مشتق فعلی باشد. از آنجا که هیچ ریشه فعلی با چنین مشتقی در زبان‌های ایرانی وجود ندارد، تنها معنایی که برای این نام بر پایه واژه‌ای کاملاً تأییدشده، اما نه در اوستایی (Schmidt, 1980: 197)، می‌توان داد همان نخستین پیشنهاد یعنی «دارنده شترهای پیر» است. با وجود این، برخی از پیشنهادهای دیگر، بنا به دلایل معنایی، ممکن است پذیرفتنی‌تر باشد (cf.: Mayerhofer, 1977b: 106)، به‌ویژه آنکه معنای «پیر» یا حتی «سال‌خورده» به‌سختی بار معنایی مثبتی در خود دارد (Idem., 1977c, p. 89 fn. 22). بدین ترتیب، در نهایت این مسئله همچنان لاینحل باقی می‌ماند. همچنین، نظر هومباخ

(Humbach, 1991: 8, 10) مبنی بر اینکه اشاره به نام زردشت را می‌توان در ترکیب دو واژه جداگانه *zarəm*، با معنایی نه‌چندان روشن، و *uštrəm* «شتر» در یسن ۴۴، به‌ترتیب در بندهای ۱۷ ب و ۱۸ ج، مشاهده کرد (بیش از ۳۰ کلمه میان این دو واژه فاصله انداخته است)، به هیچ نتیجه‌ی روشنی منتج نمی‌شود. برای این نام چندین ریشه‌شناسی دیگر نیز مطرح شده که برخی از آنها کاملاً خیالی است و در کل هیچ کدام مبنای علمی معتبری ندارد (برای آگاهی از این دست ریشه‌شناسی‌های نادرست، نک.: Mayerhofer, 1977a: 44-53; Schmitt, 1996: 93, n. 37).

### یونانی *zōroástrēs*

رابطه‌ی صورت یونانی معیار *zōroástrēs* با اوستایی *zaraθuštra-* مسئله‌ی خاصی را پیش می‌کشد، زیرا معادل این صورت اوستایی در یونانی باید چیزی شبیه به *\*zarathóstrēs* می‌شد. نخستین بار، صورت *zōroástrēs* در آثار خانتوس (Xanthus frag. 32 in Jacoby, *Fragmente*, (IIIc, p. 758.8) اهل لودییه و افلاطون (Alcibiades Maior 122a1) آمده است. این صورت و شکل‌های بازمانده‌ی بعدی‌اش (لاتینی: *zoroastres* و صورت ثانوی یونانی *zōróstris* در نوشته‌های پلوتارخ و دیگران) را اغلب شواهدی مهم تلقی می‌کنند، زیرا در آنها نشانی از واج دندانی صورت اوستایی نیست و در چندین ویژگی نیز با اصل اوستایی متفاوت‌اند (برای اطلاعات بیشتر در این باره، نک.: Schmitt, 1996: 93-98). با وجود این، کوشش‌هایی، هرچند ناموفق، در به‌کلی متفاوت‌دانستن صورت یونانی *zōroástrēs* از اوستایی *zaraθuštra-* مشتق‌شدن آن از اصلی کاملاً متفاوت، شاید صورت تغییر شکل‌یافته‌ای در گویش مغان، نیز انجام گرفته است (cf.: Markwart, 1930: 24-26; Werba, 1982: 183f).

ظاهراً، صورت یونانی در نتیجه‌ی تعبیری تازه از این نام بر پایه‌ی ریشه‌شناسی عامیانه به وجود آمده است، زیرا جزء *-astr-* یادآور واژه‌ی یونانی *ástra* «ستارگان» و جزء نخستین *zōro-* مشابه *zōrós* به معنای «پاک، نیامیخته» است. با وجود این، چنین تأثیر ریشه‌شناسی عامیانه‌ای خیلی محتمل به نظر نمی‌رسد، به‌ویژه تا جایی که به معنا و کاربرد *zōrós* مربوط می‌شود. به همین دلیل است که گرشویچ (Gershevitch, 1995: 20f) و اشمیت (Schmitt, 1996: 96-98) بر توجیه‌های آواشناختی تکیه کرده‌اند. از این‌رو، گرشویچ برای صورت یونانی، چنین تحول آوایی‌ای را متصور می‌شود: صورت ایرانی باستان *\*zara-*

uštra- در یونانی به \*zaróstrēs تحول می‌یابد و از طریق فرآیند قلب صورت اخیر به \*zōrástrēs تبدیل می‌شود، شکل اخیر نیز صرفاً با این فرض که در آخرین مرحله وام‌گیری، بنا بر قاعده‌ای که در آن واژه o در صورت‌های سه‌هجایی در میان واژه افزوده می‌شود به zōroástrēs بدل شده است. اشمیت نیز صورت ایرانی باستان را \*zara-uštra- در نظر می‌گیرد. با وجود این، معتقد است اولین تظاهر این واژه در یونانی چیزی شبیه به \*zaraóstr(ēs) بوده که از طریق فرآیند قلب به صورت \*zaro-ástr(ēs) تغییر می‌کند که موجب تداعی صورت یونانی «ستارگان» ástra شده، هرچند به هیچ وجه متأثر از آن نیست، سپس از طریق قیاس و مسجع کردن آن با نام اهوره‌مزدا در یونانی یعنی zōroástrēs به δρομάζες (شواهد بیشتر برای ارتباط میان این دو نام نیز مطرح شده است).

از آنجا که صورت ایرانی باستان \*zara-uštra- فقط بر پایه شکل یونانی zōroástrēs بازسازی شده، حتی اگر هم‌راستا با عقیده عمومی باشد، چندان معتبر و اثبات‌پذیر نیست. همین مطلب درباره صورت بازسازی‌شده \*zara-huštra- (cf.: Bartholomae, 1895-) نیز صادق است. زیرا تحول قاعده‌مند صورت بازسازی‌شده مذکور نمی‌تواند منتج به zaraθuštra- در اوستایی کهن شود. در هر حال فرض پذیرش صورت \*zara-uštra- مستلزم آن است که آن را مرتبط با صورت \*zarat-uštra- بدانیم. به نظر می‌رسد در این خصوص فقط دو احتمال قابل طرح است: ۱. صورت ایرانی شرقی \*zarat- در ایرانی غربی به \*zara- «پیر» (قس.: فارسی zar) بدل شده است (Ibid.: 129f)؛ ۲. یا اینکه \*zarat- (از نظر صرفی؟) با \*zara- همسان شده است (نظیر این مسئله در ترکیب‌هایی مانند اوستایی -dāraiaīaṭ.raθa- در مقابل فارسی باستان dāraya-vauš قابل مشاهده است).

برخلاف نظر هر تسفلد (Herzfeld, 1947: 55f) و گرشویچ (Gershevitch, 1964: 28b & 38ab) صورت آغاز شده با \*zara- را به هیچ وجه نمی‌توان صورتی معتبر و گویشی از فارسی باستان به شمار آورد. همچنین، در نبود هر گونه دلیل متقنی که اثبات کند روند تحول جزء نخست در این نام مانند ترکیب‌های فارسی باستان dāraya-vauš یا xšaya-ršan- در واقع تحولی ساخت‌وازی است نه تحولی آوایی (Schlerath, 1977: 127f)، و از آنجا که حتی مشخص نیست که در ترکیب مد نظر (\*zara(t)-uštra-) مشتق فعلی بودن جزء نخست بر

صفت بودن آن، در یک ترکیب دارندگی، ارجحیت داشته باشد، معادل یونانی این نام همچنان بدون ارزش چندانی در ریشه‌شناسی صورت‌های مبهم ایرانی باقی می‌ماند و عملاً در تحدید پیشنهاد‌های مختلف و رسیدن به نتیجه‌ای روشن برای ریشه‌شناسی این واژه چندان راه‌گشا نیست.

مرتبط‌دانستن زردشت با آیین پرستش ستارگان نیز فقط بر پایه جزء *ástrēs* در صورت تغییر شکل یافته این نام در یونانی است. از این برداشت تعبیرات مشابهی درباره ریشه‌شناسی این نام نیز کرده‌اند، مثلاً دینون صورت *astrothytēs* «ستاره‌پرست» را پیشنهاد داده است (Frag. 5 in Jacoby, *Fragmente*, III C, p. 524.3). اما این دست تعبیرهای شبه‌عالمانه فاقد هر گونه ارزش علمی است.

### شواهد ارمنی

مهم‌ترین شواهد از نام زردشت در متون کلاسیک ارمنی نشانگر صورت *zradašt* (گونه دیگر آن *zradešt*) است که در آثار نویسندگان زیر دیده می‌شود (cf.: Hübschmann, *Armenische Grammatik*, pp. 41f. no. 74 (Eliše): از نیک کلبی (Eznik of Kolb) (بخش ۱۹۲)، ایشه (Eliše) (تاریخ، ص ۱۵۰۱۶۲، به‌علاوه صورت صفتی *zradštakan* «زردشتی»، ص ۳۰۱۹؛ ۱۸۰۱۴۳)، موسی خورنی (Mosēs Xorenac'i) (تاریخ، ۶۰۱، ۱۷-۱۸ ص ۱۵۰۲۳؛ ۷۰۵۵؛ ۱۰۵۶، ۴، ۱۴) که وی زردشت را مغ، و پادشاه بلخی‌ها یا مادها معرفی می‌کند. آندرائس (Andreas, 1910: 872) صورت *zradašt* را که خود شکل تحول‌یافته صورتی قدیم‌تر با هجای آغازی *\*zur-* است، شکلی برگرفته از صورت گفتاری فارسی میانه *\*zur(a)dušt* به شمار آورده و تا بدانجا پیش رفته که این صورت فرضی را ملاکی برای نتیجه‌گیری درباره صورت اوستایی قرار داده است. اما ناگزیر به تردید درباره این فرضیه هستیم، زیرا صورت کهن‌تر با هجای آغازی *\*zur-* در واقع متأثر از ارمنی *zur* به معنای «نادرست، ناروا، بیهوده» است و بنابراین، این صورت فرضی را باید مسیحیان ارمنی در مفهومی ضدزردشتی با تعبیری تازه ساخته باشند. همچنین، نمی‌توان این فرض را هم نادیده گرفت که صورت (پارتی یا) فارسی میانه‌ای که صورت ارمنی (*zaradušt* یا مانند آن) از آن برگرفته شده، ممکن است از طریق فرآیند قلب به صورت *\*zuradašt* به ارمنی آغازین رسیده باشد.

- Andreas, F. C. (1910). "Bruchstücke einer Pehlewi-Übersetzung der psalmen aus der Sassanidenzeit", *SPAW*, pp. 869-872.
- Bailey, H. W. (1953). "Indo-Iranian Studies", *TPS*, pp. 21-24.
- Bartholomae, Ch. (1895-1901). "Vorgeschichte der iranischen Sprachen", in: Geiger and Kuhn, *Grundr. Ir. Phil.* I/1, pp. 1-151.
- Bidez, J.; Cumont, F. (1938). *Les mageshellénisés: Zoroastre, Ostanès et Hystaspe d'après la tradition grecque. II: Les textes*, Paris.
- Gershevitch, I. (1964). "Zoroaster's Own Contribution", *JNES* 23, pp. 12-38.
- Gershevitch, I. (1995). "Approaches to Zoroaster's Gathas", *Iran* 33, pp. 1-29.
- Gnoli, G. (2000). *Zoroaster in History*, New York.
- Herzfeld, E. (1947). *Zoroaster and His World*, I, Princeton N. J., pp. 53-56.
- Humbach, H. (1991). *The Gathas of Zarathushtra and the Other old Avestan Texts*, I, Heidelberg.
- Markwart, J. (1930). *Das erste Kapitel der Gāthā uštavaiī (Jasna 43)*, Rome, pp. 22-28.
- Markwart, J. (1977b). *Die avestischen Namen (Iranisches Personennamenbuch, I/1)*, Vienna, pp. 105f.
- Markwart, J. (1977c). "Zarathustra und kein Ende?", *AAASH* 25, pp. 85-90.
- Schlerath, B. (1971). "Zarathustra im Awesta", in: *Festgabe deutscher Iranisten zur 2500 Jahr feier Irans, Stuttgart*, ed. Wilhelm Eilers, pp. 133-40.
- Schlerath, B. (1977). "Noch einmal Zarathustra", *Die Sprache* 23, pp. 127-135.
- Schmidt, H. P. (1980). "Review of Mayrhofer 1977a and 1977b", *Göttingische Gelehrte Anzeigen* 232, pp. 190-198.
- Schmitt, R. (1966). "Onomastica Iranica Platonica", in: *Lēnaiká: Festschrift für Carl Werner Müller*, eds. Ch. Mueller-Goldingen and K. Sier, Stuttgart and Leipzig, pp. 81-102.
- Schmitt, R. (1997). "Onomastica Iranica Symmicta", in: *Scríbhthair a ainm n-ogaim. Scritti in Memoria di Enrico Campanile*, II, Pisa, pp. 921-27.
- Thieme, P. (1981). "Der Name des Zarathustra", *ZVS* 95, pp. 122-125 (repr. in: Idem., *Kleine Schriften*, II, Stuttgart, 1995, pp. 1154-1157).
- Werba, Ch. (1982). *Die arischen Personennamen und ihre Träger bei den Alexanderhistorikern: Studien zur iranischen Anthroponomastik*, Ph. D. diss., Vienna, pp. 172f. & 181-191.